

دادگاه کیفری بین المللی: مختصری از ساختار و کارکردها^(۱)

فیروز محمودی

اساسنامه رم میان نقش نهادها و مؤسسات ملی و بین المللی تعادل برقرار می‌کند. این اساسنامه براساس اصل پیشنهادی کمیسیون حقوق بین الملل مبنی بر این که دادگاه باید در بادی امر به عنوان عامل تقویت کننده و مکمل نظامهای قضایی ملی عمل کند، بنیان نهاده شد. اگر قرار است که یک موافقت نامه بین المللی به نحو مناسبی مانع وقوع نسل کشی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی شود و آنها را مجازات نماید، به حمایت وسیعی نیازمند است. این اساسنامه برای دستیابی به نوعی حمایت بدون قربانی شدن بی طرفی و سودمندی دادگاه به عنوان یک نهاد، طراحی و تنظیم شده است. اساسنامه از طریق ترکیب ویژگیها به هر دو هدف بالادست می‌یابد. موضوع صلاحیت دیوان محدود و در آغاز مشتمل بر سه جرم می‌باشد؛ این صلاحیت تنها برای اعمالی که پس از لازم الاجرا شدن اساسنامه واقع می‌شوند، قابل اعمال است. فرایند قابلیت پذیرش دعوا به دقت روابط میان دادگاه و نظامهای قضایی ملی را تعریف و تعیین می‌کند. نظامهای

حقوقی دولتها^(۱) در ابتدای امر مسؤولیت تحقیق و تعقیب مهمترین جرایم مرتبط به جامعه بین‌المللی را بر عهده دارند؛ در واقع، همکاری دادگاهها برای اجرای عدالت به وسیله نظامهای حقوقی ملی احتمالاً باید پراهمیت‌ترین اقدام طولانی محسوب شود. دادگاه کیفری بین‌المللی تنها در جایی قادر به پذیرش و دریافت دعاوی قابل پذیرش^(۲) خواهد بود که دولتها داوطلبانه از دعاوی مطروحه صرف نظر کرده و رسیدگی به آن را به دیوان سپرده باشند، یا این که در این خصوص غیرفعال عمل کرده، یا در مواردی که واقعاً نتوانند یا نخواهند به آن دعاوی رسیدگی کنند. حتی در این موارد نیز دیوان تنها زمانی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال کند که دولتی که در قلمرو آن یا به وسیله تبعه آن جرم واقع شده است، عضو کنوانسیون (رم) بوده و یا صلاحیت دیوان را برای جرم مورد بررسی به رسمیت شناخته باشد. به علاوه آیین راجع به صلاحیت دیوان^(۳) اجازه تعویق در رسیدگی دولتها را می‌دهد. افزون بر آن، همزمان کشورهای عضو و شورای امنیت (به موجب بخش ششم منشور سازمان ملل) که می‌توانند وضعیتی را به دیوان (آن گونه که کمیسیون حقوق بین‌الملل پیشنهاد کرد) ارجاع دهند، دیوان کیفری بین‌المللی را در ایفای نقش خود، در مواردی که ضروری است، تقویت و تضمین کنند؛ این در حالی است که اجازه تعیین کیفیت همکاری با دادگاه در سطح حقوق ملی داده شده و جزئیات مقررات ناظر به همکاری با دادگاه برای ایجاد یک دادگاه مؤثر نیز ارائه شده است.

تضمینات فرایند دادرسی، آیین تجدیدنظرخواهی، و حمایت‌های سازمانی و ارگانیکی برای تأمین استقلال و بی‌طرفی دادگاه، دولتهای عضو و اشخاص متهم را از نظم و قاعده‌مندی که تحت تأثیر قواعد حقوقی مقرر شده‌اند، مطمئن می‌سازد.

اساسنامه رم یک سند پیچیده‌ای است، و هیچ گونه تلخیصی نمی‌تواند فهم مشابهی از دادگاه را که مطالعه خود اساسنامه به دست می‌دهد، ارائه دهد. در این حال، رژیم

1- Legal systems of States.

2- Admissible Cases.

3- The Court's Jurisdictional procedures.

دادگاه کیفری بین‌المللی می‌تواند در پرتو هدف و اصول موجود در ورای آن خلاصه شود.

۱- مقر، ارکان و انتخاب مقامات

طرح اساسنامه دیوان در نظر دارد ساختارها و آیینهای رسیدگی را ایجاد نماید که سودمندی دادگاه را در بالاترین حد و عادلانه و بی‌طرفانه بودن آن را نسبت به دولتهای عضو و سایر اشخاصی که برای محاکمه در پیشگاه دیوان حاضر می‌شوند، تضمین و تأمین نماید. دولتهای عضو بر انتخابات قضات، دادستان و جانشینهای دادستان نظارت و کنترل دارند. ترکیبی از بالاترین شرایط لازم، قواعدی برای اجرای وظایف ارگانها و آیینهای رسیدگی، برای تضمین استقلال و بی‌طرفی دیوان و آنگاه قاعده‌مند کردن چنین مقامات و نهادهایی مهم و حیاتی است محسوب می‌شوند.

الف - مقر و ارکان

دیوان کیفری بین‌المللی برخلاف دادگاههای خاص یوگسلاوی سابق و رواندا، یک نهاد دایمی است که مقر آن در لاهه هلند خواهد بود (ماده ۳). موافقت نامه‌های رسمی، روابط دیوان را با کشور میزبان و با سازمان ملل متحد تعیین خواهد کرد (مواد ۲ و ۳). دیوان شامل چند رکن خواهد بود: بخشهای تحقیقات مقدماتی، محاکمه (بدوی) و تجدیدنظرخواهی، دادسرا^(۱) و دبیرخانه^(۲) (ماده ۳۴). مجمع دولتهای عضو، مدیریت و نظارت و سایر وظایف مهم را اجرا خواهد کرد. در ابتدای امر ۱۸ قاضی وجود خواهد داشت (ماده ۳۶) که با مسؤولیت هیأت رئیسه^(۳) برای اداره مناسب دیوان (به جز دادسرا که مستقل است) سازمان‌بندی می‌شوند (ماده ۳۸).

1- The office of prosecutor
2- Registry
3- Presidency

ب - قضات، بخشهای دادگاه و هیأت رئیسه

قضات توسط مجمع دولتهای عضو برای یک دوره ۹ ساله غیر قابل تمدید انتخاب می‌شوند (ماده ۳۶). بیش از یک نفر از اتباع یک دولت نمی‌تواند عضو قضات باشد. آنها باید از میان اشخاصی که دارای سجایای عالی اخلاقی بوده و به بی‌طرفی و کمال شهرت دارند و حائز شرایط لازم برای تصدی عالی‌ترین مقامات قضایی در کشورهای خود باشند، انتخاب شوند. لاقلاً ۹ تن از قضات دارای صلاحیت در حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری، با تجربه مناسب در دادرسیهای جزایی بوده، و حداقل پنج تن در زمینه‌های مربوط به حقوق بین‌الملل مانند حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر که تجربه چشمگیری هم در یک سمت قضایی دارند، برگزیده خواهند شد. داوطلبان توسط دولتهای عضو معرفی می‌شوند و به وسیله رأی مخفی نشست مجمع دولتهای عضو انتخاب خواهند شد. دولتهای عضو در انتخاب قضات باید به ضرورت وجود نمایندگی نظامهای اصلی حقوقی جهان، توزیع جغرافیایی عادلانه، نسبت عادلانه بین قضات زن و مرد، حضور قضات متخصص در موضوعات خاص بویژه خشونت علیه زنان و کودکان، توجه نمایند.

سه قاضی که هیأت رئیسه را تشکیل می‌دهند (ماده ۳۸) به محض انتخاب به صورت تمام وقت انجام وظیفه خواهند کرد: این هیأت می‌تواند برحسب میزان کار دیوان^(۱) از سایر قضات بخواهد که به صورت تمام وقت انجام وظیفه کنند (ماده ۳). اساسنامه، تشریفات را برای افزایش تعداد قضات برحسب ضرورت، در نظر گرفته است (ماده (۲) ۳۶).

یک رئیس و چهار قاضی دیگر، بخش تجدیدنظر را تشکیل می‌دهند، که به عنوان یک شعبه تجدیدنظر عمل خواهد کرد. قضات در این بخش در یک مدت ۹ ساله خدمت می‌کنند. بخش دادگاه بدوی،^(۲) حداقل از ۶ قاضی تشکیل می‌شود که کار خود را از

1- The workload

2- Trial Chamber

طریق یک یا چند شعبه بدوی مرکب از ۳ قاضی انجام می‌دهند.

بخش مقدماتی که نقش مهمی در روند تحقیقات ایفا می‌کند حداقل از ۶ قاضی تشکیل شده که وظایف خود را از طریق شعب مقدماتی انجام می‌دهند. این شعب بر حسب نوع کار در دست انجام (آن گونه که اساسنامه و اصول و قواعد مقرر کرده است) از ۳ یا ۱۰ قاضی تشکیل می‌شوند. هرکدام از بخشها نیز باید مشتمل بر ترکیبی مناسب از اعضای دارای تجربه و صلاحیت در حقوق کیفری، آیین دادرسی کیفری و حقوق بین‌الملل باشند. در بخشهای مقدماتی و بدوی قضات با تجربه در حقوق جزا تفوق خواهند داشت. قضات بخشهای مقدماتی و بدوی برای مدت ۳ سال در بخشهایی که برای آنها در نظر گرفته شده خدمت می‌کنند، هرچند که هیأت رئیسه دیوان می‌تواند اگر موقعیت دیوان اقتضا بنماید، قاضی یا قضات این دو بخش را به یکدیگر منتقل نماید (ماده ۳۵).

قضات باید در اجرای وظایف خویش مستقل باشند، و نمی‌توانند به فعالیتی بپردازند که با وظایف آنان ناسازگار و مغایر بوده و یا استقلال آنها را در مظان تردید قرار دهد. بویژه قضات تمام وقت^(۱) نباید به هیچ فعالیت حرفه‌ای دیگری^(۲) اشتغال داشته باشند. تصمیم‌گیری در مورد اجرای مسائل بالا با رأی اکثریت مطلق قضات (جز کسانی که مسأله مورد بحث مربوط به آنها است) خواهد بود. بعلاوه، قاضی نمی‌تواند در تصمیم‌گیری مربوط به پرونده‌ای که در آن بی‌طرفی او براساس دلایل و به نحو منطقی مورد تردید قرار گرفته، شرکت نماید. یک قاضی بویژه از مداخله و تصمیم‌گیری راجع به پرونده‌ای ممنوع است که وی سابقاً در آن پرونده در دیوان تصمیمی گرفته یا در یک پرونده مرتبط با آن در سطح ملی در خصوص همین متهم یا مظنون تصمیمی اتخاذ کرده باشد. قاضی ممکن است از هیأت رئیسه درخواست کند تا به موجب اساسنامه وی را از انجام وظیفه معذور بدارد. اکثریت مطلق قضات می‌توانند قاضی را - که پیشتر تقاضای

1- Serving judges

2- Other professional occupation

معافیت و رد خود را نکرده - به این جهت که در بی طرفی وی در خصوص موضوع مطروحه تردید ایجاد شده رد نمایند.

ج - دادستان

این امکان که (نهایتاً تحقق یافت) دادستان رأساً اختیار آغاز تحقیقات را (براساس نظر و صلاحدید خود) داشته باشد، مورد نظر هیأت‌های نمایندگی در کنفرانس دیپلماتیک رم بود. نتایج به دست آمده نه تنها تصمیم تعویق در رسیدگی دولتها و نظارت بر این امر توسط شعبهٔ مقدماتی را در برداشت، بلکه تمهیدات شدیدی را نیز برای مؤثر و مستقل بودن دادستان شامل می‌شد.

دادسرا یک رکن مستقل دیوان است که مسؤول دریافت مکاتبات^(۱) و اخذ اطلاعاتی است که بتواند بازجویی و نهایتاً تعقیب و دفاع از دعوا را نزد دادگاه بر عهده گیرد. ریاست و ادارهٔ دادسرا بر عهدهٔ دادستان است که به وسیلهٔ یک یا چند معاون^(۲) یاری و کمک خواهد شد. دادستان باید مشاورانی را با توجه به تجربه حقوقی آنها در موضوعات خاصی مانند خشونت جنسی، خشونت جنسیتی^(۳) و خشونت علیه کودکان انتخاب نماید (ماده ۴۲).

دادستان و معاونان وی باید اشخاصی با «سجایای اخلاقی» و با صلاحیت بالا و تجربهٔ گران قیمت در امور کیفری یا محاکمات کیفری باشند. آنان با رأی مخفی اکثریت مطلق مجمع دولتهای عضو انتخاب می‌شوند. دادستان و معاونان او برای یک دورهٔ ۹ سالهٔ غیر قابل تمدید خدمت خواهند کرد و می‌باید از ملیتهای مختلف باشند (ماده ۴۲). اعضای دادسرا از جستجوی اطلاعات یا اقدام براساس دستورات ناشی از منبع خارج (از دادسرا) منع می‌شوند. دادستان و معاونان وی نمی‌توانند به هر شغلی که ممکن است با وظایف آنها در مقام تعقیب و تحقیق ناسازگار بوده و یا بر استقلال آنها

1- Referrals

2- Deputy Prosecutors

3- Sexual and gender violence

تأثیر بگذارند، اشتغال داشته باشند. بویژه نمی‌توانند به فعالیت حرفه‌ای دیگری اشتغال داشته باشند. دادستان و معاونانش حق دخالت در موضوعی که به هر دلیلی بی‌طرفی آنها را مورد تردید قرار می‌دهد، ندارند؛ بویژه از دخالت در موضوعی که سابقاً در نزد دادگاه مطرح نموده یا در یک پرونده مرتبط با آن و در سطح ملی در خصوص همین شخص مورد تعقیب مداخله کرده‌اند، ممنوعند. ممکن است هیأت رئیسه از دادستان یا معاونان وی درخواست رد خویش را از دخالت در یک موضوع خاص دریافت کند؛ در غیر این صورت، شعبه تجدیدنظر در خصوص هرگونه اختلافی راجع به رد دادستان یا معاونان وی تصمیم‌گیری خواهد کرد (ماده ۴۲).

د- دبیرخانه

دبیرخانه مسئولیت امور غیرقضایی دادگاه را بر عهده دارد و تحت نظارت رئیس دبیرخانه^(۱) که ریاست اداری دیوان را برعهده دارد و معاون رئیس دبیرخانه، (حسب ضرورت و نیاز) انجام وظیفه می‌کند. دبیرخانه دارای بخش بزه دیدگان (قربانیان)^(۲) و شهود است تا اقدامات مناسب حمایتی و امنیتی، مشاوره و کمک را به آنها ارائه نماید. این بخش شامل کارکنانی با تجربه در خصوص آسیبها و صدمات^(۳) وارده (من جمله صدمات ناشی از خشونت جنسی) بوده و باید به دادستان و دادگاه در اتخاذ تدابیر و اقدامات مناسب مشاوره دهد.

رئیس دبیرخانه و معاونش با ملاحظه توصیه مجمع دولتهای عضو با رأی مخفی اکثریت مطلق قضات از میان افراد با صلاحیت دارای «سجایای اخلاقی بالا» انتخاب می‌شوند. آنها به صورت تمام وقت برای یک دوره ۵ ساله که قابل تجدید است انجام وظیفه می‌کنند (ماده ۴۳).

1- The Registrar

2- Victims

3- Trauma

هـ- عزل^(۱)، امتیازات و مصونیتها^(۲)

قاضی، دادستان، رئیس دبیرخانه و معاونان مربوطه، در صورت نقض و عدم انجام جدی وظایف و تعهداتی که به موجب اساسنامه به عهده دارند یا به جهت ناتوانی در اجرای وظایفی که برای آنها در نظر گرفته شده، ممکن است از مقام خود عزل شوند. در مورد قاضی، تصمیم مبنی بر عزل باید با رأی اکثریت دوسوم آرای دولتهای عضو (بر اساس توصیه دوسوم قضات دیگر) اتخاذ شود. در مورد دادستان (یا در خصوص معاون دادستان براساس توصیه دادستان) عزل براساس رأی اکثریت مطلق دولتهای عضو تحقق می‌پذیرد. رئیس دبیرخانه یا معاون وی با اکثریت مطلق قضات، قابل عزل می‌باشند (ماده ۴۶). سایر اقدامات انضباطی^(۳) برای ارتکاب خطاهای خفیف نیز مقرر شده است (ماده ۴۷).

به منظور تضمین و تمهید بیشتر توانایی دادگاه در انجام مؤثر وظایف، اساسنامه مقرر می‌کند که قضات، دادستان، معاونان دادستان و رئیس دبیرخانه در اجرای وظایف خود و انجام امور دیوان از امتیازات و مصونیتهایی که برای رؤسای هیأت‌های دیپلماتیک شناسایی شده، برخوردارند. این مصونیت پس از انجام مأموریت آنها، در ارتباط با گفتار، نوشتار و اعمالی که در اجرای وظایف آنها صورت گرفته، ادامه خواهد داشت. اقدامات حمایتی ضعیف‌تری برای سایر کارکنان، مشاوران، کارشناسان، شهود و اشخاص دیگر مقرر شده است. مقررات و تشریفات نیز برای لغو این امتیازات و مصونیتها تصویب شده است. (ماده ۴۸)

و- مجمع دولتهای عضو^(۴)

مجمع دولتهای عضو، محلی عمومی است که در آن تصمیمات کلیدی راجع به اقتدار و تأثیرگذاری دیوان اتخاذ می‌شود. به عنوان نمونه، دولتهای عضو در این مجمع در

1- Removal from office

2- Privileges and immunities

3- Disciplinary measures

4- The Assembly of States Parties

توسعه حقوق بین‌الملل و مشارکت در آثار وسیعی که اساسنامه در زندگی بین‌المللی ایفا می‌کند نقش مهمی دارد. ساختار و وظایف مجمع به وسیله اساسنامه معین می‌شود به گونه‌ای که برای دولتهای عضو قدرت مؤثر و نظارت مدیریتی بر دیوان فراهم نماید، بی آن‌که روی بی‌طرفی دیوان اثر بگذارد. پذیرش اساسنامه حق حضور در مجمع دولتهای عضو را در پی دارد. هر دولت عضو، یک نماینده (که توسط مشاوران یا علی‌البدلهایی^(۱) همراهی می‌شود). با حق رأی در مجمع دارد (ماده ۱۱۲). دولتهایی که اساسنامه یا سند نهایی^(۲) را امضا کرده‌اند ولی آن را نپذیرفتند، می‌توانند در مجمع به عنوان ناظر^(۳) (بدون حق رأی) شرکت کنند. مجمع با حداقل ۶۰ عضو رسمیت می‌یابد (که وجود همین تعداد دولتها برای لازم‌الاجرا شدن اساسنامه نیز ضروری است)، و دارای دفتری (هیأت رئیس)^(۴) با ۱۸ عضو، است مشتمل بر یک رئیس و دو نایب رئیس^(۵) که به وسیله مجمع برای یک دوره سه ساله انتخاب می‌شوند. مجمع و هیأت رئیس، حداقل سالی یک جلسه خواهد داشت، و رئیس دیوان، دادستان و رئیس دفتر می‌توانند در جلسه شرکت کنند. هیأت رئیس مجمع یا پل دولتهای عضو می‌توانند تقاضای تشکیل جلسه‌ای خاص را بنمایند. تصمیمات مجمع و هیأت رئیس تا آنجا که ممکن باشد به صورت اجماعی اتخاذ خواهد شد. در صورت عدم حصول اجماع، مجمع در مسائل ماهوی با اکثریت $\frac{2}{3}$ حاضرین و رأی دهندگان اتخاذ تصمیم خواهد کرد (مشروط بر این که اکثریت مطلق دولتهای عضو حدنصاب رأی‌گیری را تشکیل دهند)، و در مسائل شکلی و اجرایی با اکثریت نسبی^(۶) دولتهای حاضر و رأی دهنده (صاحب حق رأی) اتخاذ تصمیم می‌شود.

1- Alternates

2- Final Act

3- Observer

4- Bureau

5- Vice_ presidents

6- A Single majority

مجمع وظایف مهمی بر عهده داشته و اجرا می نماید. پس از پذیرش قواعد شکلی، مجمع در نخستین جلسه خود، متن طرح کمیسیون مقدماتی را که به آن ارائه شده بررسی و مورد تصویب قرار می دهد. این طرح برحسب اهمیت مشتمل بر قواعد دادرسی و ادله و عناصر تشکیل دهنده جرم می باشد. بعلاوه انتخاب قضات، دادستان و معاونان دادستان، و توصیه به قضات راجع به داوطلبان پست ریاست دیرخانه و معاون وی بر عهده مجمع خواهد بود که این وظایف با بیان ماده (۲) ۱۱۲ اساسنامه به شرح زیر است:

(الف) نظارت اداری بر هیأت رئیسه دیوان، دادستان و رئیس دفتر در امور مربوط به اداره دیوان؛

(ب) بررسی گزارشها و فعالیتهای هیأت رئیسه مجمع... و اتخاذ اقدامات مناسب در خصوص این گزارشها و فعالیتهای؛

(ج) بررسی بودجه دیوان و تصمیم گیری در مورد آن؛

(د) تصمیم گیری پیرامون تغییر تعداد قضات...؛

(هـ) بررسی هر سالانه مربوط به عدم همکاری.

(و) انجام هر وظیفه دیگری موافق با اساسنامه و آیین نامه (قواعد) دادرسی و ادله.^(۱) مجمع با تصمیم گیری راجع به این که چه اقداماتی باید در پاسخ به عدم همکاری اتخاذ شود در خصوص اطمینان از مؤثر بودن دیوان، به عنوان آخرین منبع حمایتی نقش کلیدی خود، ایفا خواهد کرد. بودجه به نحو واضحی در توان دیوان برای اجرای وظایف خویش نقش اساسی دارد؛ برای اطمینان از استقلال دیوان تأمین بودجه به موجب مقررات اساسنامه محدود به شرایطی شده است به نحوی که حقوق مقامات انتخابی دیوان در طول مدت مأموریتشان قابل کاهش نیست. مجمع، می تواند برای افزایش کارآمدی و توان اقتصادی دیوان نهادهای فرعی و کمکی از جمله یک مکانیسم نظارتی

مستقلی را ایجاد نماید (ماده ۱۱۲). مجمع به طور قطع مسئولیت اصلاح اساسنامه را نیز بر عهده دارد.

در حالی که هرگونه اصلاح اساسنامه مقتضی پذیرش آن در سطح ملی و پیش از لازم‌الاجرا شدن آن است، پذیرش و اصلاح قواعد (آیین نامه) دادرسی و ادله، عناصر تشکیل دهنده جرم، مقررات و قواعد مالی و سایر مقرراتی که ابتدائاً توسط کمیسیون مقدماتی تهیه شده، به اجرا در نخواهد آمد. همچنین پذیرش بودجه یا سایر وظایف مقرر در ماده (۲) ۱۱۲ نیز انجام نخواهد شد. بنابراین انتظار می‌رود که تصمیمات مجمع دولتهای عضو اثر الزام آور قانونی محلی خواهد داشت، و به گونه قابل استنادی به نمایندگی دولتها در مجمع یک نقش شبه تقنینی^(۱) خواهد داد.

۲- موارد صلاحیت

اساسنامه به دقت تنظیم شده تا به دیوان کیفری بین‌المللی صرفاً صلاحیت رسیدگی به «مهمترین و شدیدترین جرایم مربوط به (مورد اهتمام) مجموعه جامعه بین‌المللی» را بدهد (دیباچه و ماده ۵ اساسنامه).

در ارتباط با اصل قانونی بودن نیز دیوان منحصراً صلاحیت رسیدگی به جرایم تعریف شده در اساسنامه را خواهد داشت، و این امر هم پس از آن خواهد بود که تمام پیش شرطهای مربوط به صلاحیت^(۲) و قابلیت پذیرش^(۳) لحاظ شوند. صلاحیت دیوان، حداقل در ابتدای امر، محدود به نسل کشی^(۴)، جرایم علیه بشریت^(۵) و جرایم جنگی^(۶) خواهد شد.

1- quasi Legislative role

2- Jurisdiction

3- Admissibility

4- Jenocide

5- Crimes against humanity.

6- War Crimes

الف - نسل کشی

تعریف نسل کشی مندرج در اساسنامه (ماده ۶) عیناً منطبق با کنوانسیون نسل کشی ۱۹۴۸ می باشد. این جرم می تواند توسط عوامل و اشخاص رسمی یا غیر دولتی، و یا در زمان صلح یا در زمان مخاصمات مسلحانه بین المللی یا غیر بین المللی رخ دهد. نسل کشی زمانی واقع می شود که یکی از پنج عمل مشروحه «به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی، یا مذهبی از حیث همین عناوین» ارتکاب یابد. این سوء نیت خاص برای تحقق این جرم ضروری است، در جایی که این سوء نیت وجود ندارد، اعمال ارتكابی می توانند در شرایط و اوضاع و احوال مناسب جرم علیه بشریت، یا جنایات جنگی محسوب شوند. این (پنج) عمل عبارتند از: قتل اعضای یک گروه، ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه، قرار دادن عمدی یک گروه در معرض اوضاع زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی به طور کلی یا جزیی آن بشود، انجام و تحلیل اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل یک گروه صورت گیرد و انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر. این اعمال به بیش از یک نفر مربوط است و بنابراین نسل کشی به همراه خود ایده حمله با بیش از یک نفر را در بردارد. با این حال، یک حمله وسیع و اقدام در سطح زیاد برای نابودی یک گروه نیز جهت تحقق این جرم ضروری نیست. همچنین یک نقشه یا سیاست عمومی دولتی یا سازمانی نیز برای این منظور ضروری نیست. اما با وجود این وقتی دادگاه ملزم باشد که معلوم نماید آیا جرم نسل کشی به حد کافی شدید بوده که وجود صلاحیت دادگاه را مهار کند، بی تردید درجه حمله یا شروع به حمله، وجود یک نقشه و وجود مخاصمه مسلحانه را مورد لحاظ قرار خواهد داد.

ب - جنایات علیه بشریت

جرایم علیه بشریت خیلی وقت پیش از این در عهدنامه ورسای در پایان جنگ جهانی اول شناسایی شده و بیان گردید، اما نخستین تبلور صریح آنها در اساسنامه دادگاه نورنبرگ بود. جرایم علیه بشریت تا زمان اساسنامه دادگاه نورنبرگ در اسناد چند جانبه

تعریف نشده بود، گرچه این تعاریف در اساسنامه‌های دادگاههای یوگسلاوی سابق و رواندا نمود یافته و منعکس شده است. با این حال در نتیجه توسعه حقوق بین‌الملل عرفی^(۱) و معاهداتی^(۲)، اجزاء تشکیل دهنده این دسته از جرایم تا پیش از پذیرش اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به روشنی و وضوح دستخوش تغییر و تحول شده بودند. همانند نسل‌کشی - که تصور می‌شود نوعی از جرایم علیه بشریت است - جرایم علیه بشریت می‌توانند در زمان صلح یا در زمان مخاصمه مسلحانه، بین‌المللی یا غیر بین‌المللی، و یا به وسیله دولت یا عوامل و اشخاص غیردولتی ارتکاب یابند. جرایم علیه بشریت (ماده ۷) شامل هر یک از یازده عمل مشروحه در این ماده است که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته (به معنای یک سلسله اقدامات و نه یک واقعه منفرد و جدا) برضد یک جمعیت غیرنظامی صورت گیرد. حمله باید در «تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان برای انجام چنین حمله‌ای صورت گرفته باشد.» اعمال مذکور که تماماً (به جز قتل عمد) در این ماده بیان و تعریف شده، عبارتند از:

- قتل عمد

- ریشه کن کردن یا نابودسازی^(۳)

- به بردگی گرفتن (برده سازی)^(۴)

- تبعید یا کوچ اجباری یک جمعیت

- حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که برخلاف

قواعد اساسی حقوق بین‌الملل انجام می‌شود.

- شکنجه

- تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی^(۵)، فحشای اجباری، حاملگی اجباری،

1- Customary international law

2- Conventional international law

3- Extermination

4- Enslavement

5- Sexual slavery

عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با آنها

- تعقیب و آزار مداوم علیه هر گروه یا مجموعه معین

- ناپدید کردن اجباری اشخاص

- جنایت تبعیض نژادی

- دیگر اعمال غیرانسانی مشابه که عامداً به قصد ایجاد رنج زیاد یا صدمه

شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد.

چنین اعمالی، با صراحتی که در خود دارند، باید با اثبات این که متهم علم به حمله داشته مورد شکایت قرار گیرند. ضرورت وجود این علم و آگاهی، و همچنین ضرورت یک طرح یا نقشه و یک رشته اعمال، این را روشن می سازد که جرایم مذکور آستانه (ارتکاب) بالایی داشته و بنابراین صلاحیت دادگاه محدود است.

ج - جنایات جنگی

جنایات جنگی (ماده ۸) به دو بخش جنایاتی که در مخاصمات مسلحانه بین المللی و مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی واقع می شوند، تقسیم می شوند. این جرایم شناخته شده ترین و بیشترین جرایم بین المللی را تشکیل می دهند. بیشترین ممنوعیت های مندرج در اساسنامه از حقوق بین الملل ساخته شده کنوانسیون های لاهه و ژنو گرفته شده اند، در حالی که بقیه جرایم مذکور در اساسنامه، نمونه یا همانند این جرایم می باشند. در واقع، شماری از جرایم شمرده شده به طور خیلی محدودتری از شکل کنوانسیون اصلی، دسته بندی و شکل گرفته اند.

اساسنامه، جنایت ارتكابی در جریان مخاصمات مسلحانه بین المللی را به شش نقض فاحش کنوانسیون های ۱۹۴۹ ژنو (که باید علیه اشخاص تحت حمایت یعنی مجروحین، بیماران و غرق شدگان؛ اسیران جنگی؛ و غیر نظامیان، به گونه ای که در کنوانسیون ها تعریف شدند، ارتكاب یابند) (ماده ۸) و بیست و شش نقض شدید قواعد عرفی و حقوقی (معاهداتی) قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه بین المللی، تقسیم می نماید (ماده «ب» «۲» «۸»). از آنجا که فهرست این جرایم به طور کلی بسیار زیاد است، نمونه

هایی از این جرایم را می‌توان در دسته‌های زیر قرار داد:

- رفتار با اشخاص: کشتار عمدی، شکنجه، رفتار غیرانسانی و آزمایشهای زیست‌شناختی؛ فراهم کردن موجبات رنج زیاد یا صدمه شدید به جسم یا سلامتی؛ تجاوز به کرامت شخص، به ویژه رفتار موهن و تحقیرآمیز؛ جرایم جنسی (عیناً مشابه آنچه در جرایم علیه بشریت اشاره و ذکر شد)؛ بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال یا به کارگرفتن آنها برای مشارکت فعال در کارهای جنگی؛

- رفتار با مکانها و اموال: تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی آن را توجیه نمی‌کند و به صورت غیرقانونی و خودسرانه اجرا شده است؛ تخریب یا ضبط اموال دشمن مگر آن که ضرورت‌های جنگ چنین اقتضا کند؛ غارت شهر یا محله؛

- هدف قرار دادن اشخاص: هدایت عمومی حملات بر ضد غیرنظامیان، اهداف غیر نظامی، مأموران حفظ صلح؛ انجام عمدی حمله‌ای با علم به این که چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا آسیب شده و آشکارا نسبت به مجموعه فواید نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن بیش از اندازه است.

- هدف قرار دادن مکانها و اموال: هدایت عمدی حملات علیه اهداف غیر نظامی؛ هدایت عمدی حملات علیه تأسیسات، وسایل نقلیه و غیره که در مأموریت حفظ صلح شرکت می‌کنند؛ عملیات علیه ساختمانهایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی اختصاص یافته، و حمله علیه بیمارستانها، واحدها و وسایل نقلیه پزشکی.

- روشها و ابزار جنگ: سوء استفاده از پرچم متارکه جنگ، (نشانها و لباسهای متحدالشکل دشمن یا سازمان ملل متحد، یا علائم مشخصه کنوانسیونهای ژنو؛ اعلام این مطلب که به احدی رحم نخواهد شد (هیچ کس در قید حیات باقی نخواهد ماند)؛ استفاده از سلاحهای ممنوعه (سم یا سلاحهای شیمیایی خفه کننده سمی یا سایر گازهای مشابه، گلوله‌هایی که به آسانی در بدن انسان منفجر و پخش می‌شوند، سایر سلاحهایی که به طور ذاتی بدون تفکیک (هدفها) و مغایر حقوق بین‌الملل هستند)؛

استفاده از «پوشش انسانی»^(۱) برای حفاظت از یک مکان جهت جلوگیری از حمله؛
تحمیل عمومی گرسنگی به غیرنظامیان به عنوان روش جنگ.

ممنوعیتهای مربوط به مخاصمات مسلحانه داخلی نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند:
چهار نقض فاحش ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، که علیه اشخاصی که
هیچ گونه شرکت فعالی در کارهای جنگی نداشتند، ارتکاب می‌یابند که این اعمال در
ماده ۸ قسمت دوم بند ج ذکر شده‌اند. سایر مقررات راجع به مخاصمه مسلحانه داخلی -
که ممکن است توسط دولت یا عامل غیردولتی در مخاصمات مستمر بین دولت و
گروههای مسلح یا بین خودگروههای مسلح ارتکاب یابند - مستخرج از حقوق بین‌الملل
عرفی که به طور اصلی ناشی از پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو می‌باشند.
۱۲ عمل ممنوعه لیست شده در اساسنامه، مشابه همان اعمال ممنوعه در مخاصمات
مسلحانه بین‌المللی است (ماده «ه» «۲» ۸). مواردی از آن به عنوان نمونه ذکر می‌شود:
- رفتار با اشخاص: خشونت علیه جسم و جان و بویژه قتل از هر نوع، قطع عضو،
رفتار بی‌رحمانه و شکنجه، تجاوز به کرامت شخصی بویژه رفتار موهن و تحقیر کننده؛
گروگان‌گیری؛ جرایم جنسی (که ماهیت آنها در ذیل جرایم علیه بشریت ذکر شد)، بسیج
اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت فعال در
کارهای جنگی، جابه‌جایی افراد غیرنظامی که به دلایل امنیتی و دلایل الزام آور نظامی
ضرورت و توجیهی نداشته باشد.

- رفتار با مکانها و اموال: تخریب یا ضبط اموال دشمن مگر آن که ضرورت‌های
جنگی چنین تخریب یا ضبط اموال را ایجاب نماید؛ غارت شهر یا محله.

- هدف قرار دادن اشخاص: هدایت عمدی حملات علیه شهروندان، علیه افراد و
مأمورانی که مطابق کنوانسیون ژنو از نشانه‌های مربوطه استفاده می‌کنند؛ علیه مأموران
حافظ صلح.

- هدف قرار دادن اماکن و اموال: هدایت عمدی حملات علیه اهداف غیر نظامی؛ هدایت عمدی حملات علیه واحدها و وسایل نقلیه پزشکی؛ علیه تأسیسات و وسایل نقلیه و غیره که در مأموریت حفظ صلح شرکت می‌کنند؛ علیه ساختمانهایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی هنری، علمی اختصاص یافته و علیه بیمارستانها و غیره.

- روشها و ابزار جنگ: به شرح و توضیحی که قبلاً ذکر شد.

مقررات مربوط به مخاصمات مسلحانه داخلی در خصوص آشوبها و تنشهای داخلی مانند شورشها و اعمال خشونت‌آمیز فردی، اجرا نمی‌شوند. همچنین این مقررات تأثیری بر مسئولیت دولت برای حفظ یا برقراری مجدد قانون و نظم یا دفاع از وحدت و تمامیت ارضی دولت با تمام وسایل و ابزار قانونی (یعنی تمام ابزار و روشهایی که در حقوق بین‌الملل مجاز شمرده شده است) ندارد.

جنایات جنگی موردنظر و مندرج در اساسنامه «لزوئا» به یک طرح، نقشه و سیاست دولت یا سازمانی نیاز ندارد. با این حال، اگر مخاصمه دارای درجه ملی و بین‌المللی بود، دیوان «بویژه آن‌گاه که جرایم مذکور در قالب یک طرح یا نقشه و سیاست عمومی ارتکاب یافته و یا در حد بسیار وسیعی رخ داده باشند، صلاحیت خود را برای رسیدگی به این جنایات اعمال خواهد کرد». (ماده «۱» ۸). وجود چنین طرح یا سیاست عمومی، یا گستردگی وقوع این جنایات، بدون تردید در تعیین این که جرم مطروحه و در حال رسیدگی به اندازه کافی قابلیت پذیرش دارد یا نه، مورد توجه دیوان قرار خواهد گرفت.

د - جنایت تجاوز

جنایات تجاوز در فهرست جرایم داخل در صلاحیت دیوان قرار دارد (ماده ۵)، در حالی که بسیاری از کشورها معتقد بودند اصولی‌تر آن بود که جنایت تجاوز خارج از صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گرفت. در این زمان، دولتهای شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک قادر به توافق بر روی تعریف این جرم نبودند. در نتیجه، دیوان صلاحیت خود را در خصوص این جرم اعمال نخواهد کرد تا این که مقررات راجع به استفاده از تشریفات اصلاحیه‌های پیشنهادی قابل اعمال برای اضافه شدن یک جرم

جدید پذیرفته و اعمال شود که برای این امر باید حداقل هفت سال پس از لازم الاجرا شدن اساسنامه منتظر ماند. قاعده‌مندی مقررات یک طرح زیر نظارت کمیسیون مقدماتی انجام می‌شود. این کمیسیون تعریفی را همراه با شرایطی ارائه خواهد کرد که به موجب آن صلاحیت دیوان قابل اعمال باشد. اساسنامه به صراحت بیان می‌کند که هر نوع مقرراتی راجع به جنایت تجاوز باید با منشور سازمان ملل متحد مطابقت داشته باشد (ماده «۲» ۵). بسیاری از دولتها واژه «مطابقت» را بدین صورت تفسیر می‌کنند که این پیش شرط ضروری است که در ابتدای امر، شورای امنیت، در اجرای فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، بپذیرد که عمل تجاوز واقع شده است.

هـ- جرایم اعتباری (قراردادی)

در جریان کنفرانس دیپلماتیک، حمایت قابل ملاحظه‌ای از این موضوع وجود داشته که جرایم مبتنی بر قرارداد راجع به تروریسم و مواد مخدر هم، در محدوده صلاحیت دیوان قرار گیرد. تاکنون توافقی در خصوص تعاریف و پیش شرطهای مناسب راجع به این موارد امکان‌پذیر نشده است. با این حال، قطعنامه منضم به سند نهایی پیشنهاد کرده است که کنفرانس بازنگری، جرایم مربوط به تروریسم و مواد مخدر را به منظور دستیابی به تعریف قابل قبولی از این جرایم و لحاظ آنها در فهرست جرایم که در صلاحیت دیوان است، مورد مطالعه قرار دهد. نخستین کنفرانس بازنگری هفت سال پس از لازم الاجرا شدن اساسنامه تشکیل خواهد شد.

و- عناصر تشکیل دهنده جرایم

عناصر تشکیل دهنده جرایم، دیوان را در تفسیر و اجرای تعاریف جرایم مندرج در اساسنامه کمک و یاری خواهد داد (ماده ۹). عناصر تشکیل دهنده جرایم یک ابزار و روش حمایتی است که به طور جزئی و مفصل عناصر مادی و معنوی جرایم در دست رسیدگی و در صلاحیت دیوان را معین می‌کنند. عناصر تشکیل دهنده جرایم به وسیله اکثریت $\frac{2}{3}$ مجمع دولتهای عضو پذیرفته شده (و بعداً اصلاح می‌شود). طرح عناصر تشکیل دهنده جرم به وسیله کمیسیون مقدماتی تهیه خواهد شد.